

دوفصلنامه «مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی»

سال دوم، شماره سوم / بهار و تابستان 1396؛ صص 127-158

شبهات درباره حضرت یونس در تفاسیر فریقین؛ پاسخ ها و رویکردها

حسین کمالی زاده اردکانی^۱

دکتر علی راد^۲

چکیده

عصمت پیامبران از گناه، از اعتقاداتی است که برخی مسلمان بر آن عقیده‌اند و البته به روایات فراوانی استناد می‌کنند. در این میان تفاسیر فریقین با توجه به روایات تفسیری و آیات قرآن، شبهاتی را پیرامون شخصیت حضرت یونس (ع) مطرح کرده‌اند. پژوهش حاضر شبهات را گونه‌شناسی کرده و آنها را به ماثور و اجتهادی تقسیم کرده است و در تدوین شبهات، پنج شبهه به شبهات ماثور و دو شبهه به شبهات اجتهادی اختصاص پیدا کرده است. با شناسایی رویکرد پاسخ‌های ارائه شده توسط مفسران، به ارزیابی و نقد آنها نیز پرداخته شده است. این پژوهش به رویکردهای روایی، عقلی، ادبی، تاریخی و اشاری توجه کرده و به آن‌ها پرداخته است.

در پایان نیز به تمایزات تفاسیر امامیه از تفاسیر اهل سنت در این شبهه اشاره کرده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که همانند قاطبه شیعه، ما نیز به عصمت پیامبران از گناه معتقدیم؛ اما در مورد اینکه پیامبران مرتکب خطا و اشتباه می‌شوند، باید گفت گرچه منعی در این موضوع وجود ندارد؛ ولی غالب اتدیشمنندان شیعی آن را نمی‌پذیرند. و پیامبران را معصوم از خطا و اشتباه نیز می‌دانند. برتری فراوانی پاسخ‌های تفاسیر شیعی نسبت به تفاسیر اهل سنت در ارائه پاسخ‌های با

^۱ - دانشجوی دکترای تفسیر تطبیقی.

^۲ - استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران پردیس فارابی.

رویکرد عقلی و برتری فراوانی پاسخ های تفاسیر اهل سنت به تفاسیر شیعی در ارائه پاسخ های با رویکرد ادبی، وجه تمایز پاسخ های مفسران امامیه از اهل سنت است.

کلید واژه ها: عصمت پیامبران، حضرت یونس، تفسیر تطبیقی، شبهات قرآنی.

طرح مسئله

از آنچه کتب لغت ذکر کرده‌اند (تهانوی، 1996: 1005/1؛ فراهیدی، 1410: 404/3؛ ابن منظور، 1414: 504/13) دانسته می‌شود که به پوشیدگی حقیقت یا خلط بین باطل و حق، شبهه گویند. شبهات دارای تقسیمات مختلفی بوده و در علوم مختلف، خصوصاً علوم انسانی از آنها بحث می‌گردد؛ اما در این پژوهش، شبهاتی که در تفاسیر فریقین پیرامون شخصیت حضرت یونس (ع) مطرح گردیده است را مورد بررسی قرار خواهیم داد. در این میان ممکن است که به شبهاتی کلامی یا غیر آن برخوردیم.

مسئله گناه و عصمت، از جمله مسائلی است که در مورد پیامبرانی که در قرآن نامشان، ذکر شده، مطرح گردیده است. این مشکل در مورد حضرت آدم (ع)، حضرت ابراهیم (ع)، حضرت یوسف (ع) و حضرت محمد (ص) پیش آمده است؛ ولی این مشکل در مورد حضرت یونس (ع)، با توجه به آیات قرآن و خصوصاً روایات، جدی تر است. در رابطه با به وجود آمدن شبهه، روایات نقش پررنگی را در به وجود آمدن بستر شبهه ایفا کرده‌اند. خداوند تعالی در قرآن کریم به حضرت محمد (ص) می‌فرماید که «در صبر مثل "صاحب ماهی" (حضرت یونس (ع)) نباش» (القلم/48) که دلالت بر کم طاقتی این پیامبر در امر نبوت دارد. همین کم طاقتی و تنگی خلق در روایات نیز بازتاب داشته است و بر اساس ظاهر روایات، گناه به ایشان نسبت داده شده است که منافی با عصمت پیامبری است. تفاسیر فریقین شبهات فراوانی را در مورد ایشان مطرح کرده‌اند. مفسران شیعی و سنی در مقابل این شبهات و در دفاع از مقام پیامبری و شخص حضرت یونس (ع) پاسخی هایی را نیز ارائه کرده‌اند. اکنون این سوال پیش می‌آید که اهم شبهات مطرح شده درباره شخصیت حضرت یونس (ع) کدام است و چه پاسخی هایی به آن ارائه گردیده است؟

چیستی شبهات:

شخصیت حضرت یونس (ع) دارای نکات مبهم و گاهی اوقات، شبهه برانگیز است. شبهات مطرح شده در مورد ایشان، به دو گونه مآثور و اجتهادی تقسیم بندی شده است. شبهاتی که از ظهور روایات یا آیات، بدون دخل و تصرف و اجتهادی از طرف مفسر، پدید آمده باشند در قسمت شبهات مآثور قرار خواهند گرفت. شبهاتی که دارای کوششی صرفاً اجتهادی و برآمده از نظر مفسر باشد، در این مجموعه قرار خواهد گرفت. ما در گونه های اجتهادی به دنبال آیه، روایت یا نقل قولی از صحابه نیستیم؛ بلکه در اینجا آنچه که در شکل گیری و ساختن شبهه کمک می کند، نظر و رأی مفسر است.

1. شبهات مآثور و پاسخ ها

در این بخش به شبهات «کم صبری در امر نبوت و تنگی خلق»، «عاصی و گناهکار بودن»، «نفی قدرت الهی»، «تعارض در قرآن با رفع عذاب از قوم حضرت یونس (ع)» و «مساوی یا برتر بودن حضرت یونس (ع) بر حضرت محمد (ص)» و پاسخ های آنها پرداخته شده است.

الف. کم صبری در امر نبوت و تنگی خلق

برخی از تفاسیر روایت ابی عبیده الحداء را از امام باقر (ع) ذکر کرده اند که حضرت یونس (ع) کم صبر بر امت خود بودند و تحمل سنگینی بار نبوت را نداشتند (حویزی، 1415: 4/ 437؛ همان، 5 / 397؛ بحرانی، 1416: 3 / 59؛ فیض کاشانی، 1415: 2 / 421؛ قمی مشهدی، 1368: 6 / 100؛ همان؛ همان، 13/393؛ صادقی تهرانی، 1365: 25 / 207؛ عیاشی، 1380: 2 / 129). این روایت از جهت سندی دارای ارسال است و از جهت متنی دارای اشکال «تکلیف بمالایطاق» است.

«وهب بن منبه» نیز، شخصیت حضرت یونس (ع) را به صورت فردی که در خلقتش، تنگی وجود دارد و کسی که توان تحمل سنگینی نبوت را ندارد، معرفی می کند (بغدادی، 1415: 3/241؛ بغوی، 1420: 3/314؛ ثعلبی، 1422: 6 / 302 "و قال وهب: إن یونس كان عبدا صالحا و كان فی خلقه ضیق فلما حمل أنقال النبوة تفسخ تحتها تفسخ الربع تحت الحمل الثقیل، فقذفها من یدیه و خرج هاربا منها فلذلك أخرجه الله من أولی العزم من الرسل و...").

پاسخ ها با رویکرد عقلی:

تلازم اندیشه «کم صبر و تندخو بودن حضرت یونس (ع)» با «تکلیف بمالایطاق»

مرحوم ابو الفتوح معتقدند که ترسیم شخصیت حضرت یونس (ع) توسط «وهب بن منبه»، ملازم با تکلیف بما لا یطاق توسط خداوند دارد؛ زیرا «وهب بن منبه»، حضرت یونس (ع) را انسانی تند خو و کم صبر معرفی می‌کند، ایشان را مثل کسی که تحمل نبوت را ندارد، ترسیم می‌کند (ابوالفتوح رازی، 1408: 273/13). خشم بر خداوند با عصمت پیامبران که مورد اتفاق شیعه و اکثر مسلمانان است در تنافی است (یوسفیان حسن و شریفی احمد حسین، 1388: 177_257) و همچنین تکلیف به نبوت کسی که طبق کلام «وهب بن منبه» توانایی حمل بار نبوت را ندارد، تکلیف بمالایطاق است. این کلام با حکمت خداوند در تعارض است و خداوند را شخصی غیرحکیم نشان می‌دهد. اعتقاد به غیرحکیم بودن خداوند، کفر است.

مقایسه صبر حضرت یونس (ع) با حضرت نوح (ع):

مفسران دیگری از فریقین که به کم صبری و کم طاقتی حضرت یونس (ع) که در منابع حدیثی شیعه و سنی موجود است نپرداخته‌اند، نکته ای مد نظرشان بوده است. نکته ای که باعث شد و آن نکته این است که خداوند در مقام مقایسه ایشان با حضرت نوح (ع)، ایشان را کم صبر خوانده‌اند (عیاشی، 1380: 130/2؛ حویزی، 1415: 398 / 5؛ بحرانی، 1416: 60/3؛ فیض کاشانی، 1415: 422/2؛ قمی مشهدی، 1368: 101/6)؛ چنانچه در حدیث هم بعد از اینکه ایشان با حضرت نوح (ع) مقایسه می‌شوند به کم صبری ایشان توسط خداوند اشاره می‌گردد.

ب. عاصی بودن

در قرآن کریم ذکر شده است که حضرت یونس (ع)، خود را در زمره ظالمین، قرار داده است (انبیاء/87). «ابن عباس» و «محمد بن قیس»، ظلم حضرت یونس (ع) را معصیت تلقی کرده و توبه ایشان را توبه از خطا قرار داده‌اند (طبری، 1412: 63/17؛ ثعلبی، 1422: 303/6). استظهار از آیه نیز همین گونه است؛ زیرا حضرت یونس (ع) خود را از ظالمین می‌داند. خداوند، ظالمین را مورد لعنت و ظالم را دور از رحمت خود قرار داده است (هود/18). آیا خداوند رسالت خود را به شخصی که ظالم و دور از رحمت خودش است می‌سپارد؟!

این شبهه نیز مطرح است که اگر ایشان ظالم باشند، تعارض با آیه «124 سوره بقره» واقع می‌گردد (صادقی تهرانی، 1365: 350/19). در این آیه ذکر شده است که عهد خداوند به کسانی که ظلم کرده‌اند نخواهد رسید؛ در حالی که ایشان با فرض ظلمشان، به رسالت مبعوث شده‌اند. برخی از مفسران، حدیثی را نیز از کافی شریف که به وضوح، دال بر عصیان آن حضرت بر خداوند است، نقل کرده‌اند (قمی مشهدی، 1368: 11 / 180؛ کلینی، 1429: 15 / 142، ح 16/14831). این روایت دارای دو سند است که سند اول، مجهول و سند دوم، دارای ارسال و مجهول بودن سند است.

در تفسیر قمی بیان شده است که حضرت یونس (ع)، خطاب به قارون که فردی ثروتمند از قوم حضرت موسی (ع) بود که به علت سرکشی و گناه دچار قهر الهی شد، خود را «المذنب الخاطی» معرفی می‌کند (قمی، 1367: 318/1). سندی برای این روایت ذکر نشده است. بعضی از مفسران و روایات، به عصیان و گناهکار بودن ایشان، اشاره دارند (حویزی، 1415: 433/4؛ قمی مشهدی، 460/8؛ میبدی، 1371: 300/6؛ فخرالدین رازی ابو عبدالله محمد بن عمر، 1420: 357/26).

روایتی را «علی بن ابراهیم قمی» و «مرحوم عیاشی» نقل کرده‌اند که بن مایه مشکلات و شبهه سازی فراوانی در میان مفسران شیعی شده است (قمی، 1367: 318/1؛ عیاشی، 1380: 135/2). در هردو روایت ذکر می‌شود که هنگام خروج حضرت یونس (ع)، ایشان «مغاضبا لله» بوده است (قمی، 1367: 318/1؛ حویزی، 1415: 329/2؛ همان، 452/3؛ همان، 435/4؛ بحرانی، 1416: 57/3؛ قمی مشهدی، 1368: 108/6؛ همان، 459/8؛ همان، 182/11)؛ این عبارت، عبارتی کلیدی در فراهم آوردن بستر شبهه و سوال گشته است. سوال اساسی در اینجا این است که «لام» در کلمه «الله»، به چه معناست؟! ظهور اولیه از «لام» در این عبارت این است که «لام»، به معنای تعلیل است. «الصحاح»، «مجمع البحرین» و «شمس العلوم» همین آیه را ذکر کرده‌اند و برای تحلیل «مغاضبا»، عبارت «مراغما لقومه» را ذکر کرده‌اند که به معنای «خشمگین شدن به علت قومش» است (جوهری، 1410: 194/1؛ طریحی، 1416: 133/2؛ حمیری، 1420: 4966/8). این عبارت «الصحاح» و کتابهای دیگر، گرچه با حدیث ذکر شده مناسبت ندارد؛ ولی نشان می‌دهد که لام در «مغاضبا لله» به معنای تعلیل است که مولفین کتاب های «الصحاح» و «مجمع البحرین» برای تاویل این کلام، «الله» را حذف و به جای کلمه «الله»، «قوم» را ذکر کرده‌اند.

در روایتی از «کتاب التفسیر»، حضرت یونس (ع) به صفاتی همچون کم صبر بودن و کم طاقت نسبت به امر نبوت، معرفی شده است. در این روایت، به داستان حضرت یونس (ع)، می‌پردازد. همچنین در این روایت، ذکر گردیده است که حضرت یونس (ع) بعد از اینکه قسم خورد، فرمود: « بعد از اینکه وحی به من دروغ گفت؛ برای خودم، آبرویی نمی بینم» (عیاشی، 1380: 135/2). این مطلب، شاهد بر این است که مراد از «مغاضبا لله»، غضب حضرت یونس (ع)، به علت عفو قومش توسط خداوند بوده است (عیاشی، 1380: 135/2؛ حویزی، 1415: 453/3؛ بحرانی، 1416: 63/3؛ فیض کاشانی، 1415: 425/2؛ قمی مشهدی، 1368: 462/8).

تفاسیر اهل سنت نیز، به این شبهه پرداخته‌اند (بغوی، 1420: 435/2؛ همان، 313/3؛ همان، 314/3؛ میبدی، 1371: 299/6؛ ابن عطیه آندلسی، 1422: 96/4؛ فخرالدین رازی 1420: 179/22؛ طبری، 1412: 62/17). «الحسن بن ابی

الحسن» (حسن بصری) و «ابن عباس»، به نزول جبرئیل بر حضرت یونس (ع)، اشاره می‌کنند. جناب جبرئیل از حضرت یونس (ع) می‌خواهد، به سوی اهل نینوی برود؛ تا آنها را انذار کند. حضرت یونس (ع) می‌خواهد حیوانی طلب کند یا نعلینی طلب کند، که جبرئیل به ایشان می‌فرماید: «کار و امر انذار مردم، زودتر از این است» (باید عجله کنی)، که ایشان عصبانی می‌شوند و می‌روند (بغوی حسین بن مسعود، 1420: 314/3؛ فخرالدین رازی، 1420: 179/22؛ طبری، 1412: 62/17؛ ثعلبی، 1422: 302/6). اگر عبارت «ابن عباس» ملاحظه گردد مشخص می‌گردد، قید «لربّه»، در عبارت «مغاضبا لربّه»، وجود ندارد؛ ولی این قید، در عبارات «عروۀ بن الزبیر»، «وهب بن منبّه الیمانی»، «سعید بن ابی الحسن»، «سعید بن جبیر» وجود دارد (طبری ابوجعفر، 1412: 61/17).

فخر رازی و دیگران در بیان شبهه، «مغاضبا لله» را کلام «ابن مسعود»، «ابن عباس»، «الحسن»، «الشعبی»، «سعید بن جبیر»، «وهب»، «ابن قتیبۀ» و «محمد بن جریر» می‌دانند (فخرالدین رازی، 1420: 179/22؛ ابن عاشور، بی تا: 95/17). با بررسی که انجام شد، این عبارت بدون قید «لله»، در کلمات «ابن عباس» وجود دارد. خود فخر رازی و مفسران دیگر نیز با کلمه «یقال»، قول این اشخاص را تذکر می‌دهند، گویی او انتساب قول «مغاضبا لله»، به این افراد را قبول ندارد.

برخی از مفسران اهل سنت، غضبناک شدن ایشان را به علت خطاها و گناهان قومش می‌دانند؛ ولی معتقدند که ایشان خداوند را عتاب کرد (بغوی، 1420: 435/2).

از حبه العرنی و دیگران نقل شده است که ولایت، به صورت مطلق یا ولایت امیرالمومنین علی (ع) بر حضرت یونس (ع)، عرضه گردید و ایشان انکار کردند، به همین جهت، در شکم ماهی حبس شدند (طباطبائی، 1417: 170/17؛ قمی مشهدی، 1368: 180/11؛ همان، 464/8؛ همان، 180/11؛ حویزی، 1415: 433/4؛ همان، 455/3). این روایت در «بصائر الدرجات» ذکر گردیده است (صفار محمد بن حسن، 1404: 75/1).

پاسخ ها با رویکرد روایی:

برخی از مفسران، برای پاسخ به شبهات پیرامون شخصیت حضرت یونس (ع)، به عدم رسالت ایشان در هنگام انجام این اعمال، پناه برده‌اند. این مفسران بر این باورند که اعمال منافی مقام پیامبری و ظلم حضرت یونس (ع)، قبل از به رسالت رسیدن ایشان، اتفاق افتاده است. دلیل این گروه، آیات 147-145 سوره صافات و کلام «ابن عباس» است (بغوی، 1420: 315/3؛ طوسی، بی تا: 530/8؛ طبرسی، 1417: 716/8؛ ابن عطیه آندلسی، 1422: 487/4؛ فخرالدین رازی، 1420: 178/22؛ آندلسی، 1420: 125/9؛ آلوسی، 1415: 140/12). علامه طباطبائی و مفسران دیگری به علت سیاق آیات

سوره صافات این پاسخ را رد کرده‌اند (طباطبائی، 1417: 165/17؛ صادقی تهرانی، 1365: 207/25؛ میدی، 1371: 339/4؛ فخرالدین رازی، 1420: 356/26؛ مراغی، بی تا: 84/23).

در مورد متعلق غضب حضرت یونس (ع) سه نظر مطرح است که عبارتند از: اعمال قوم حضرت یونس (ع)، قوم حضرت یونس (ع) که به نظر می‌رسد این نظر با نظر قبلی یک چیز را بیان می‌دارند (قمی، 1367: 75/2؛ حویزی، 1415: 451/3؛ بحرانی، 1416: 835/3؛ فیض کاشانی، 1415: 352/3؛ قمی مشهدی، 1368: 459/8؛ طباطبائی، 1417: 318/14؛ بغوی، 1420: 436/2؛ طوسی، بی تا: 273/7؛ ابوالفتوح رازی، 1408: 270/13؛ میدی، 1371: 340/4؛ همان، 299/6؛ ابن عطیه آندلسی، 1422: 96/4؛ آندلسی، 1420: 461/7؛ آلوسی، 1415: 79/9؛ مراغی، بی تا: 64/17؛ ابن عاشور، بی تا: 181/11؛ همان، 95/17؛ بیضاوی، 1418: 59/4؛ طبری، 1412: 62/17؛ قشیری، بی تا: 518/2؛ سیوطی، 1404: 332-333/4؛ ثعلبی، 1422: 301/6؛ بغوی، 1420: 436/2؛ بغدادی، 1415: 241/3؛ میدی، 1371: 299/6؛ فخرالدین رازی، 1420: 178/22؛ آندلسی، 1420: 461/7؛ صادقی تهران، 1365: 347/19؛ قشیری، بی تا: 518/2؛ ثعلبی، 1422: 301/6؛ طباطبائی، 1417: 314/14؛ زمخشری، 1407: 131/3)، پادشاه، نبی و قوم زمانشان (بغوی، 1420: 436/2؛ بغدادی، 1415: 241/3؛ میدی، 1371: 299/6؛ فخرالدین رازی، 1420: 178/22؛ آندلسی، 1420: 461/7؛ صادقی تهرانی، 1365: 347/19؛ قشیری، بی تا: 518/2؛ ثعلبی، 1422: 301/6). این پاسخ‌ها در مصادر فریقین مطرح گردیده است و منعی برای رد پاسخ‌ها وجود ندارد؛ بله، در مورد غضب حضرت یونس (ع) بر پادشاه، نبی و قوم زمانشان، این فرضیه مطرح است که این پاسخ قابل قبول نباشد؛ زیرا طرح قصه حضرت یونس (ع) برای غضب حضرت یونس (ع) بر پادشاه، نبی و قوم زمانشان در کلامی که منتسب به «ابن عباس» است با طرح قصه حضرت یونس (ع) در کلام دیگری که باز به «ابن عباس» منتسب است تفاوت دارد و این دو طرح داستان متفاوت شاهی بر عدم صحت کلام نقل شده از «ابن عباس» است خصوصا اینکه احادیث و کلام‌های مربوط به «ابن عباس» جز از چند طریق قابل اطمینان نیست.

مناشی غضب حضرت یونس (ع) را، تصور خلف وعده توسط ایشان، سنت قتل به علت کذب، دروغ گو بودن و دروغ گفتن را ذکر کرده‌اند (بغوی، 1420: 435/2؛ بغدادی، 1415: 241/3؛ میدی، 1371: 340/4؛ ابن عطیه آندلسی، 1422: 485/4؛ فخرالدین رازی، 1420: 179/22؛ قمی مشهدی، 1368: 110/6؛ ابوالفتوح، 1408: 211/10؛ بغوی، 1420: 315/3؛ ثعلبی، 1422: 152/5).

متعلقات و مناشی غضب حضرت یونس(ع) در روایات شیعه و سنی مطرح گردیده است و مفسران، هر کدام را به عنوان علت غضب ذکر کرده‌اند.

عبارت «مغاضبا لرّبه»، را عده ای صحیح نمی دانند (طوسی، بی تا: 273/7؛ ابن شهرآشوب، 1/ 255؛ طباطبائی، 1417: 14/ 314؛ فضل الله، 1419: 257/15؛ ابوالفتوح رازی، 1408: 272/13؛ صادقی تهرانی، 1365: 347/19؛ ابن عطیه آندلسی، 1422: 97/4؛ ابوالفتوح، 1408: 275/13)؛ زیرا مخالف عقیده قاطبه شیعه و اکثر مسلمانان است؛ متعارض با عصمت پیامبران نیز است (یوسفیان حسن و شریفی احمد حسین، 1388: 257-177)؛ همچنین غضب ایشان بر خداوند ملازم عدم معرفت به مالک امر و نهی بودن خداوند، عدم معرفت پیامبر به خداوند است (فخرالدین رازی، 1420: 179/22) و منجر به تکلیف بمالایطاق و حکمت نداشتن خداوند می شود (ابوالفتوح رازی، 1408: 272/13).

امام رضا (ع)، غفلت حضرت یونس (ع) از این عبادتی که در دهان ماهی داشته‌اند را ظلم تلقی کرده اند؛ پس در واقع ظلم، به صورت گناه واقع نگردیده است^۳.

پاسخ ها با رویکرد عقلی:

برخی غضب حضرت یونس (ع) بر قوم خود را ترک اولی می دانند (طوسی، بی تا: 273/7؛ ابن شهرآشوب، 1410: 255/1؛ طباطبائی، 1417: 314/14؛ فضل الله، 1419: 257/15؛ ابوالفتوح رازی، 1408: 272/13؛ صادقی تهرانی، 1365: 347/19؛ ابن عطیه آندلسی، 1422: 97/4؛ طوسی، بی تا: 274/7؛ ابوالفتوح رازی، 1408: 275/13؛ صادقی تهرانی، 1365: 205/25). برخی نیز صدور عمل غیر عمدی و بدون قصد را از پیامبران جایز می دانند (قاسمی، 1418: 216/7).

پاسخ هایی که گذشت، پاسخ تعارض ظالم بودن حضرت یونس (ع) با آیه «124» سوره بقره را نیز روشن می کند. در مرتبه اول ظلمی که در آیه به آن اشاره شده است که مانع از رسیدن عهد خداوند به بندگانش می شود اتفاق نیافتاده است. در مرتبه بعدی این را باید گفت که مطلق رسالت مدّ نظر نیست؛ بلکه امامت منظور است (کلینی، 1407: 175/1؛ همان، ج 1، ص: 199؛ قمی، 1367: 226/2؛ عیاشی، 1380: 58/1).

پاسخ ها با رویکرد ادبی:

1- «تفسیر نور الثقلین»، عروسی حویزی عبد علی بن جمعه، 1415: 450/3؛ «تفسیر الصافی»، فیض کاشانی ملا محسن، 1415: 352/3

به نظر می‌رسد چنانچه گفته‌اند «لام» در عبارت «مغاضبا لربه»، برای تعلیل است؛ ولی به معنای مثبت آن بکار رفته است. ایشان به علت خداوند و در طریق الهی غضب نموده‌اند؛ چنانچه در حدیث ابی عبیده الحداء، عبارت «غضبت علیهم فیک» وجود دارد. بعد از این عبارت، عبارت «مغاضبا لربه» ذکر شده است که قرینه خوبی است بر اینکه «لام» در این عبارت به معنای مثبت آن باید اراده گردد. برخی از مفسران منکر غضب ایشان شده‌اند و معتقد به وجود تشبیه و مجاز در کلام الهی شده‌اند. ایشان معتقدند که راه رفتن حضرت یونس (ع) هنگام خروج از قومش مثل کسی بوده است که خشمگین است و از میان قوم خارج می‌شود (ابن عاشور، بی تا: 95/17؛ طباطبائی، 1417: 314/14). این مجاز و استعاره است که با وجود قرینه صحیح است. به نظر می‌رسد که قرینه ای دال بر چنین خروجی در روایات ذکر نشده است؛ مگر اینکه اعتقاد قاطبه مسلمین را به عنوان قرینه پذیرا باشیم.

در مورد معنای «ظلم» در عبارت «انّی کنت من الظالمین» دو معنا بیان گردیده است که با ترک اولی ایشان سازگار است. معنای اول از ظلم، قرار گرفتن چیزی در غیر محل معین شده قرار داده‌اند و معنای دیگر که ملازم معنای «ظلم» است، «تقصان» است (طوسی، بی تا: 274/7؛ ابوالفتوح رازی، 1408: 275/13؛ صادقی تهرانی، 1365: 205/25). برخی نیز بر این باورند که اصلا ظلمی واقع نگردیده است و این کلام حضرت یونس (ع) از تواضع و خشوع ایشان است که فرموده‌اند نوع انسان‌ها ظالمند و من هم از همین انسان‌ها هستم (طبرسی، 1417: 96/7؛ ابن شهر آشوب، 1410: 255/1؛ ابوالفتوح رازی، 1408: 275/13).

عصیان حضرت یونس (ع)، که در برخی از روایات به آن پرداخته شده است، از نظر لغوی به معنای خروج از طاعت است که می‌توان این طاعت را با توجه به قرائن مختلف و معصوم بودن پیامبران، به طاعت غیر وجوبی تعبیر کرد. چنانچه گذشت ظهور اولیه از این کلمه طاعت وجوبی است؛ ولی ظهوری که مستقر است با طاعت غیر وجوبی منعقد می‌گردد.

پاسخ‌ها با رویکرد اشاری:

مخالفت کردن حضرت یونس (ع) با هوای نفسش به عنوان علت غضب ایشان معرفی شده است (قشیری، بی تا: 518/2؛ کاشفی، 1369: 720؛ بقلی شیرازی، 2008: 523/2). جناب ابن شهر آشوب معتقدند، هنگامی که انسان در حالت انقطاع قرار می‌گیرد، خود را هیچ می‌داند و هر چه از او سر زده را در مقابل رب الارباب نه اینکه هیچ بلکه گناه می‌پندارد (ابن شهر آشوب، 1410: 255/1). برخی از مفسران علت به دهان ماهی افتادن حضرت یونس (ع) را اشتغال به تدبیر امور غیر مرتبط با ایشان بیان کرده‌اند (تستری، 1423: 174). بقلی شیرازی علت به دهان ماهی افتادن ایشان را عدم تحمل مشاهده خودش در مقابل مشاهده وحدت قدم دانسته‌اند (روزبهان بن ابی نصر بقلی، 2008: 523/2) و در پایان او کلامی را از

«ابن جنید» نقل کرده است که «الظالمین» به منظور استفاده از «الجاهلین» بیان شده است و خداوند از آنچه در او هام حضرت یونس (ع) نیز بوده است منزّه است (روزبهان بن ابی نصر بقلی، 2008: 523/2). قبول یا رد این پاسخ ها منوط به پذیرفتن مبانی تفسیر عرفانی است.

ج. نفی قدرت الهی

خداوند در قرآن در مورد حضرت یونس (ع) طبق ظهور آیه (الانبیاء/87)، فرموده‌اند که حضرت یونس (ع) خشمناک و غضبناک بر خداوند باری تعالی، قوم خود را ترک گفت؛ به این گمان که از سیطره قدرت الهی خارج شده است و خداوند بر ایشان قدرتی ندارد؛ این شک در قدرت الهی است که از نبی الهی بسیار بعید است و شایستگی نبوت را از ایشان سلب می‌کند (فخرالدین رازی، 1420: 179/22؛ بیضاوی، 1418: 59/4؛ فیض کاشانی، 1415: 351/3؛ قمی مشهدی، 1468: 457/8؛ بغدادی، 1415: 241/3).

پاسخ ها با رویکرد روایی:

در پاسخ به شبهه مطرح شده، «ابو الجارود» حدیثی را از امام باقر (ع) نقل می‌کند مبنی بر اینکه معنای آیه مورد نظر این است که حضرت یونس (ع) گمان کرد خداوند او را عقاب نخواهد کرد (قمی، 1367: 75/2؛ حویزی، 1415: 451/3؛ بحرانی، 1416: 835/3؛ فیض کاشانی، 1415: 352/3؛ قمی مشهدی، 1368: 459/8؛ طباطبائی، 1417: 318/14).

«ابن عباس» و مفسران دیگر «قدر» را به معنای «مقدر کردن» دانسته‌اند (ابن کثیر دمشقی، 1419: 322/5؛ ابوالفتوح رازی، 1408: 274/13؛ میدی، 1371: 300/6؛ فخرالدین رازی، 1420: 179/22؛ ثعلبی، 1422: 302/6؛ بغوی، 1420: 314/3؛ بغدادی، 1415: 241/3؛ ثعلبی، 1422: 302/6؛ ابن کثیر، 1419: 322/5)؛ ولی مرحوم ابوالفتوح رازی به این معنا اشکال کرده‌اند. ایشان لغت را همراه با این استعمال نمی‌بینند (ابوالفتوح رازی، 1408: 274/13). شما هنگامی که لغت را جستجو کنید، متوجه می‌شوید که «قدر» به معنای «تقدیر» آمده است (جزری، 23/4) و برای این معنا تمسک به شعری نیز کرده‌اند: «کلا ثقلینا طامع فی غنیمه و قد قدر الرحمن ما هو قادر آی مقدر» (جوهری، 787/2)؛ ولی اشکال مرحوم ابوالفتوح رازی این است که عرب «قدر علیه» را به معنای «قضی علیه» استعمال نمی‌کند.

امام رضا (ع) در روایتی «لن نقدر» را به معنای تضییق نکردن رزق بر حضرت یونس (ع) معنا کرده‌اند (حویزی، 1415: 449/3؛ همان، 450/3؛ بحرانی، 1416: 834/3؛ فیض کاشانی، 1415: 352/3؛ قمی مشهدی، 1368: 457/8؛ طباطبائی، 1417: 319/14).

پاسخ ها با رویکرد عقلی:

برخی از مفسران که رویکرد عقلی داشته‌اند معتقدند نظریه عدم قدرت خداوند بر بنده اش کفر است (ابوالفتوح رازی، 1408: 274/13) و گمان پیامبر به عدم قدرت خداوند به دور از ساحت پیامبران است (طباطبائی، 1417: 314/14).

این نکته نیز از قلم نیافتد که زندانی کردن حضرت یونس (ع) به علت تادیب ایشان بود نه اینکه زندانی کردن ایشان، عقوبت عمل ایشان باشد (طوسی محمد بن حسن، بی تا: 274/7؛ طبرسی، 1417: 96/7).

پاسخ ها با رویکرد ادبی:

کثیری از مفسران نیز «لن نقدر» را به معنای تزییق نکردن معنا کرده‌اند؛ ولی مشکل اساسی بر سر متعلق این تزییق است که هر کس ادعایی دارد. برخی «لن نقدر» را به تنگ نگرفتن در رزق (ابن کثیر، 1419: 322/5؛ ثعلبی، 1422: 302/6؛ سیوطی، 1404: 333/4؛ طبری، 1412: 62/17؛ قشیری، بی تا: 518/2)، برخی آن را به تنگ نگرفتن در طریق و راه (صادقی تهرانی، 1365: 348/19؛ کاشفی، 1369: 720)، برخی به تنگ نگرفتن در تکلیف حضرت یونس (ع) (ابوالفتوح رازی، 1408: 273/13؛ ابن شهرآشوب، 255/1)، برخی به تنگ نگرفتن در شکم ماهی معنا کرده‌اند (حویزی، 1415: 449/3؛ همان، 450/3؛ بحرانی، 1416: 834/3؛ فیض کاشانی، 1415: 352/3؛ قمی مشهدی، 1368: 457/8؛ طباطبائی، 1417: 319/14). تمامی این معانی محتمل است ولی هیچ کس دلیلی را برای متعلق و قیدی که بیان کرده است ذکر نکرده است.

برخی از مفسران گمان حضرت یونس (ع) را استعاره می‌دانند. ایشان رفتن حضرت یونس (ع) را به شخصی تشبیه می‌کنند که این شخص عصبانی است و گمان دارد که خداوند بر او قدرتی ندارد (فیض کاشانی، 1415: 351/3؛ قمی مشهدی، 110/6؛ طباطبائی، 1417: 315/14؛ زمخشری، 1407: 132/3؛ فخرالدین رازی، 1420: 179/22؛ آلوسی، 1415: 80/9؛ بیضاوی، 1418: 59/4).

برخی دیگر ریشه «لن نقدر» را از قدرت می‌دانند؛ ولی «لن نقدر» را مجاز از «لن نفعل» می‌دانند. در این بیان حضرت یونس (ع) گمان می‌کند که خداوند علیه ایشان کاری را انجام نمی‌دهد نه اینکه خداوند نمی‌تواند کاری را علیه ایشان انجام دهد (فخرالدین رازی، 1420: 180/22؛ آلوسی، 1415: 80/9).

برخی معتقدند که این آیه در معنای استفهام توییخی به کار رفته است ولی حرف استفهام حذف شده است و برای آن قرائتی که دارای همزه استفهام است را ادعا کرده‌اند (بغوی، 1420: 314/3؛ بغدادی، 1415: 241/3؛ طبرسی، 1417: 96/7؛ ابن عاشور، بی تا: 96/17؛ ثعلبی، 1422: 302/6؛ طبری، 1412: 63/17؛ کاشفی، 1369: 720؛ فخرالدین رازی، 1420: 181/22؛ ابن عاشور، بی تا: 96/17). مرحوم شیخ طوسی اشکال کرده‌اند که وقتی حرف استفهام حذف گردد، باید جایگزینی برای آن مثل «أم» ذکر شود؛ ولی مرحوم طبرسی و ابن هشام در «معنی اللیب» با مرحوم شیخ مخالفند و معتقدند که اگر هم چیزی جایگزین حرف استفهام در کلام نشود، حرف استفهام می‌تواند حذف گردد. ابن هشام برای کلامش تمسک به شعر کمیت نیز می‌کند (ابن هشام، بی تا: 14/1). می‌توان از مرحوم شیخ این گونه دفاع کرد که طبری نیز در تفسیرش به گونه ای کامل ذکر کرده است. او معتقد است که عرب از کلام خود چیزی را حذف نمی‌کند؛ الا اینکه قرینه ای را برای دلالت کردن بر محذوف قرار می‌دهد (طبری، 1412: 63/17). کلام مرحوم شیخ نیز این گونه صحیح است. در شعر کمیت نیز قرینه ای حالیه ای برای دلالت بر حرف استفهام محذوف وجود دارد؛ ولی در این آیه همچنین قرینه ای وجود ندارد.

پاسخ با رویکرد اشاری:

در پایان این شبهه، پاسخی مطرح می‌گردد که منظور از «ذا النون» را روح انسانی معرفی می‌کند. روشن است که با این معرفی شبهه نفی قدرت الهی از جانب حضرت یونس (ع) برطرف می‌گردد (محمی الدین بن عربی، 1422: 49/2).

د. تعارض در قرآن با رفع عذاب از قوم یونس (ع)

از دو کلمه «صرف» و خصوصاً «کشف» که برای عذاب قوم یونس (ع) در قرآن و بعضی از روایات بکار رفته است (بحرانی، 1416: 57/3؛ فیض کاشانی، 1415: 426/2؛ قمی مشهدی، 1368: 106/6؛ یونس/98)، به دست می‌آید که عذاب بر قوم حضرت یونس (ع) نازل شده است؛ ولی خداوند، این عذاب را به سوی کوه‌های آمد فرستاده و رفع کرده‌اند (قمی مشهدی، 1368: 463/8؛ بقلی شیرازی، 2008: 99/2). بر اساس این ظهور گیری، نشانه‌های عذاب پدیدار نگشته است بلکه عذاب بر قوم حضرت یونس (ع) نازل گشته است و بعد از نزول از آنها رفع شده است. شاهد این مدعا، روایتی است که از امام (ع) پرسیده شده است: «آیا عذاب بر قوم حضرت یونس (ع) سایه انداخته بود؟!»، امام (ع) در جواب فرموده‌اند: «عذاب تا دستهایشان یا جهازهایشان رسیده بود» (بحرانی، 1416: 57/3؛ قمی مشهدی، 1368: 107/6؛ ابن بابویه، 1385: 77/1) و همچنین از ابن عباس نقل شده است که بین قوم یونس نبی (ع) و عذاب الهی، 3 میل بیشتر فاصله نبود (بغدادی، 1415: 465/2؛ آلوسی، 1415: 181/6). با توجه به این ظهور گیری، تعارض آیه مورد نظر (یونس/98) با آیه دیگر قرآن در سوره «غافر» محقق می‌شود. خداوند در سوره «غافر» می‌فرماید: «ایمان، هنگامی که عذاب ما برسد، سودی ندارد و این سنت الهی است» (غافر/85)؛ همچنین خداوند در دو سوره فتح (فتح/23) و احزاب (احزاب/62) می‌فرماید: «سنت الهی، تغییر بردار نیست»؛ پس ایمان شخصی که هنگام عذاب، محقق شده است سودی ندارد، این یک سنت الهی است و سنت الهی تغییر ناپذیر است. از تفاسیر برخی از مفسران نیز می‌توان این مطالب را استظهار کرد (قمی مشهدی، 1368: 107/6؛ همان، 106/6؛ طبری، 1412: 117/11؛ بغدادی، 1415: 465/2؛ ابن عطیه آندلسی، 1422: 143/3).

پاسخ با رویکرد روایی:

در کلام صحابه و تابعین ذکر شده است، هنگامی که موقع عذاب فرا رسید، نشانه‌های عذاب پدیدار گشت. آن نشانه‌ها، ابر و دود سیاه بودند که تا کمتر از یک میلی آنها رسیدند (ابوالفتح رازی، 1408: 209/10؛ فخرالدین رازی، 1420: 303/17؛ قاسمی، 1418: 64/6)؛ پس خود عذاب واقع نگردیده است بلکه نشانه‌های عذاب پدیدار گشته است.

پاسخ با رویکرد عقلی:

مرحوم علامه طباطبائی، جناب زمخشری، فخر رازی، ابو حیان اندلسی و آلوسی نیز معتقد اند که ایمان قبل از نزول عذاب از قوم حضرت یونس (ع) ظاهر شده است (طباطبائی، 1417: 126/10؛ همان، 314/14؛ زمخشری، 1407: 371/2؛ فخرالدین رازی، 1420: 303/17؛ آندلسی، 1420: 123/9؛ آلوسی، 1415: 180/6؛ قاسمی، 1418: 63/6؛ همان، 228/8؛ مراغی، بی تا: 157/11؛ ابن عاشور، بی تا: 181/11؛ بیضاوی، 1418: 124/3).

مرحوم شیخ طوسی و برخی دیگر از مفسران نیز با بیانی دیگر، همین نظر را بیان می کنند. ایشان معتقدند نشانه های عذاب برای قوم حضرت یونس (ع) ظاهر گشت و آنها با مشاهده نشانه های عذاب، توبه کردند؛ مثل مریضی که حال بسیار بدی دارد و نزدیک جان دادن است، در آن حال توبه می کند؛ پس توبه اش قبول می شود (طوسی، بی تا: 434/5؛ طبرسی، 1417: 203/5؛ ابوالفتوح رازی، 1407: 215/10؛ ابن شهر آشوب، 1410: 83/2).

پاسخ با رویکرد ادبی:

جناب ابن عاشور معتقد است که در اینجا «کشف»، مجاز است. ایشان معتقدند که «کشف» استعاره ای از رفع عذاب قبل از وقوع آن است (ابن عاشور، بی تا: 181/11). مرحوم علامه فضل الله نیز معتقدند که در کلمه «کشف» مجاز ایجاد شده است. ایشان معتقدند که کشف عذاب ملازم نزول عذاب نیست؛ بلکه اگر قوم و گروهی استحقاق عذاب نیز داشته باشند، کشف عذاب بر آنها صدق می کند (فضل الله، 1419: 219/19).

ه. مساوی یا برتر بودن حضرت یونس(ع) بر حضرت محمد(ص)

خواستگاه این شبهه منابع روایی اهل سنت است. روایتی از حضرت محمد (ص) نقل گردیده است: «برای هیچ کس، شایسته نیست که بگوید من، از یونس بن متی برتر و بهترم» (ابن عاشور، بی تا: 87/23؛ سیوطی، 1404: 334/5؛ مجلسی، 1403: 392/14؛ احمد بن حنبل، بی تا: 384/1). در حالی که این حدیث با روایتی که آن نیز از پیامبر (ص) نقل شده است تعارض دارد. در روایت دیگر حضرت محمد (ص) می فرمایند: «أنا سید ولد آدم»، "من سید و آقای اولاد حضرت آدم هستم" (ابن عطیه آندلسی، 1422: 96/4؛ فخرالدین رازی، 1420: 179/22؛ ابن بابویه، 1376: النص/40؛ هلالی، 1405: 792/2).

پاسخ ها با رویکرد عقلی:

حضرت محمد (ص) با ذکر حدیث « ما ینبغی لأحد أن یقول أنا خیر من یونس بن متی » قصد داشتند که به امت اسلام بفهمانند که به حضرت یونس (ع) که پیامبری الهی است به چشم حقارت ننگرند (مبیدی، 1371: 298/6؛ پ ابن عطیه آندلسی، 1422: 96/4).

پاسخ ها با رویکرد ادبی:

برخی دیگر از مفسران با در تقدیر گرفتن مفاهیمی، مشکل را حل کرده‌اند. ایشان بر این باورند که حضرت محمد (ص) در صحت و درستی رسالت یا در اصل نبوت بهتر از حضرت یونس (ع) نیستند نه در مراتب و درجات (ابن عاشور، بی تا: 182/11).

پاسخ ها با رویکرد تاریخی:

برخی از مفسران معتقدند «أنا سید ولد آدم»، متاخر زمانی از حدیث «ما ینبغی لأحد أن یقول أنا خیر من یونس بن مّتی» می باشد و مشکل را به این صورت حل کرده‌اند (ابن عطیه آندلسی، 1422: 96/4).

2. شبهات اجتهادی و پاسخ ها

در این فصل به شبهات «گناهکار بودن»، و «تویخ حضرت یونس (ع) توسط خداوند تعالی» پرداخته شده است.

الف. گناهکار بودن

خداوند در قرآن کریم به حضرت محمد (ص)، می فرماید: مثل حضرت یونس (ع) نباش (القلم/48). مفسران در وجه منع تشبیه اختلاف کرده‌اند. در تمام این اقوال، ضیق صدر و کم صبری، نسبت به مقام نبوت مشهود است و اگر استعجال عقابی نیز بیان شده است، به علت کم صبری و ضیق صدر ایشان بوده است (طباطبائی، 1417: 387/19؛ ثعلبی، 1422: 23/10؛ سیوطی، 1404: 258/6؛ طبری، 1412: 29/29؛ صادقی تهرانی، 1365: 346/19؛ بغوی، 1420: 142/5؛ کاشفی، 1369: 1287). می توان ادعا کرد که این شبهه اجتهادی، ریشه در شبهه روایی دارد که به کم صبری ایشان اشاره داشت.

برخی از مفسران اهل سنت و شیخ طوسی از «ابن زید» و «مجاهد»، مذموم و ملیم بودن حضرت یونس (ع) را به ذم شده و ملامت شده به علت گناه تفسیر کرده‌اند (طوسی، بی تا: 529/8؛ طبری، 1412: 64/23؛ سیوطی، 1404: 289/5؛ ثعلبی، 1422: 170/8). ایشان قومی را که طبق آیات سوره یونس (ع) (یونس / 98)، می توانستند به هدایت برسند رها کرده‌اند و بدون اجازه پروردگار، از میان قوم خود رفته‌اند. بعد از آنکه ایشان متوجه می شوند عذاب نازل نشده است با عصبانیت به طرف دریا حرکت می کنند. به نظر می رسد که این خطا، مصداق گناه و اثم قرار گیرد.

برخی دیگر، رها شدن از غم را که در قرآن ذکر شده است (انبیاء/ 88) را به رها شدن از غم خطیئه، تفسیر کرده‌اند (قمی مشهدی، 1368: 465/8؛ بیضاوی، 1418: 59/4؛ فخرالدین رازی، 1420: 182/22).

در روایات و بعضی از تفاسیر شیعی، ذکر شده است که حضرت یونس (ع)، لحظه ای یا چشم بر هم زدنی به خود واگذار شد که آن واقعه اتفاق افتاد (قمی، 1367: 74/2؛ حویزی، 1415: 450/3؛ همان، 450/3؛ بحرانی، 1416: 58/3؛ همان، 834/3؛ فیض کاشانی، 1415: 352/3؛ همان، 352/3؛ قمی مشهدی، 1368: 458/8؛ صادقی تهرانی، 1365: 351/19). در مورد اینکه منظور از آن واقعه چه بوده است وجوه مختلفی مطرح است. سه وجه را برای مصداق آن واقعه می‌توان ذکر کرد که عبارت است از: 1. خروج بدون اذن ایشان، 2. درخواست عذاب و 3. غضبناک شدن ایشان می‌باشد. احتمال اول از تمام احتمالات مطرح شده، وجیه تر است. این عبارات، بیانگر این نکته است که کار و عمل حضرت یونس (ع)، مورد نظر و رضایت خداوند نبوده است و گرنه معنا نداشت که خداوند ایشان را به خودش واگذار کند؛ خصوصاً اینکه سیاق روایات، در بیان این واقعه، سیاقی ذمی است؛ چون حضرت رسول اعظم، به خداوند پناه می‌برد. چطور ممکن است که خداوند، پیامبر و رسولش را به خودش واگذار کند؟! باید خبط و گناه بزرگی در میان باشد که مستحق، چنین عقوبتی قرار گیرد.

پاسخ ها با رویکرد روایی:

برخی از مفسران وجود این وقایع را چنانچه قبلاً گذشت را قبل از نبوت تلقی کرده‌اند (بغدادی، 1415: 331/4).

پاسخ ها با رویکرد عقلی:

آنچه موجب پشیمانی حضرت یونس (ع) گردیده است، ترک اولی ایشان بوده است. بر اساس این نکته، ایشان گناهی انجام نداده بودند؛ ولی استحقاق پشیمانی را داشته‌اند؛ پس «ملیم» بر ایشان صدق می‌کند (قمی مشهدی، 1368: 183/11؛ طبرسی، 1417: 716/8؛ طوسی، بی تا: 529/8؛ فخرالدین رازی، 1420: 181/22؛ همان، 357/26؛ بغدادی، 1415: 331/4؛ آلوسی، 1415: 137/12).

پاسخ ها با رویکرد ادبی:

کلمه «لولا» در آیه دلالت بر این دارد که آنچه موجب مذموم بودن بود، برای حضرت یونس (ع) واقع نگردیده است؛ پس موجب مذموم بودن، چه گناه باشد و چه نباشد، محقق نگردیده است (بغدادی، 1415: 331/4؛ فخرالدین رازی، 1420: 357/26؛ قمی مشهدی، 1368: 395/13؛ قاسمی، 1418: 306/9؛ زمخشری، 1407: 596/4؛ تستری، 1423: 174).

پاسخ ها با رویکرد ادبی:

برخی معتقدند که وجه منع تشبیه، کم صبری ایشان در مشاهده حضرت حق است (بقلی شیرازی، 2008: 447/3). برخی از مفسران معتقدند که خطاب خداوند به حضرت محمد(ص) مبنی بر اینکه مثل حضرت یونس نباش، نقصی بر حضرت یونس نیست؛ بلکه این کلام، طلب صبر بیشتر از حضرت محمد(ص) است (سلمی، 1369: 208/1).

ب. توییح حضرت یونس(ع) ، توسط خداوند تعالی

در روایات ذکر شده است؛ هنگامی که حضرت یونس (ع) از دهان ماهی به بیرون پرتاب می شود، بدنش نحیف و ضعیف شده بود؛ پس خداوند گیاه «یقطین» را کنار ایشان بوجود می آورد (مفسران در مورد اینکه مصداق «یقطین» چیست، اختلاف نظر دارند)؛ تا از تابش خورشید در امان بمانند. گیاه یقطین، بعد از چند روز، خشک می شود و حضرت یونس (ع)، از این اتفاق ناراحت می گردند. در این هنگام خداوند، ایشان را مورد توییح قرار می دهد که چرا بر قوم خود رحم نکردی، در حالی که خود، درد لحظه ای را نمی توانی تحمل کنی؟! (قمی، 1367: 319/1؛ همان، 320/1؛ عیاشی، 1380: 137/2؛ همان، 137/2؛ حویزی، 1415: 329/2؛ همان، 330/2؛ همان، 436/4؛ همان، 438/4؛ همان، 436/4؛ بحرانی، 1416: 58/3؛ همان 59/3؛ فیض کاشانی، 1415: 284/4؛ قمی مشهدی، 1368: 109/6؛ همان، 110/6؛ همان، 18/11؛ طبرسی 1417: 205/5؛ ابوالفتوح رازی، 1408: 213/10؛ صادقی تهرانی، 1365: 161/14).

شبهه همین بیانات در تفاسیر اهل سنت نیز ذکر گردیده است (بغوی، 1420: 48/4؛ بغدادی، 1415: 28/4؛ ابن عطیه آندلسی، 1422: 487/4؛ زمخشری، 1407: 62/4؛ فخرالدین رازی، 1420: 357/26؛ آلوسی، 1415: 140/12؛ ثعلبی، 1422: 152/5؛ سیوطی، 1404: 290/5). اینکه خداوند، شخصی را به علت عملی توییح می کند، به علت این است که آن شخص، کاری را به صورت اشتباه انجام داده است. با توجه به سیاق روایت، خواستن عذاب توسط حضرت یونس(ع)، مورد توییح قرار گرفته است. سوال اساسی این است که چگونه خداوند پیامبرش را توییح می کند در حالی که اذن در انجام این درخواست را به حضرت یونس (ع) داده بود (عیاشی، 1380: 130/2)؛ حتی عذاب یا نشانه های عذاب را بر قوم او پدیدار گردانیده بود؟! این شبهه به این صورت در تفاسیر ذکر نشده است؛ ولی با توجه به اینکه ریشه این شبهه اجتهادی روایتی است که تعداد زیادی از کتاب های تفسیری این حدیث را ذکر کرده اند ما نیز به آن پرداخته ایم.

پاسخ: در تفاسیر پاسخ اختصاصی برای این شبهه ذکر نشده است؛ فقط به ذکر روایت بسنده کرده اند.

تمايزات تفسير اماميه:

تفاسیر امامیه نسبت به تفاسیر اهل سنت دارای تمایزات و ویژگی‌هایی است. تفاسیر امامیه در میان شبهات ماثور، فقط به دو شبهه «کم صبری در امر نبوت و تنگی خلق» و «عاصی بودن» به صورت جدی پرداخته است. شبهه «نفی قدرت الهی» در شیعه مطرح نیست؛ باید گفت که در میان اهل سنت نیز این شبهه اساس محکمی ندارد؛ ولی هر دو گروه به پاسخ به این شبهه پرداخته‌اند. شبهات «تعارض در قرآن با رفع عذاب از قوم یونس(ع)»، «مساوی یا برتر بودن حضرت یونس(ع) بر حضرت محمد(ص)» و «گناهکار بودن» در تفاسیر شیعه مطرح نیست و فقط در تفاسیر اهل سنت مطرح گردیده است. خواستگاه شبهه «مساوی یا برتر بودن حضرت یونس(ع) بر حضرت محمد(ص)»، منابع روایی اهل سنت است؛ به صورتی که تمام پاسخ‌ها، منحصر به تفاسیر اهل سنت گردیده است.

تفاسیر شیعه منحصر با رویکردی عقلی، به شبهه «کم صبری در امر نبوت و تنگی خلق» پاسخ گفته‌اند؛ البته پاسخ اختصاصی این شبهه فقط توسط مفسران شیعی ارائه گردیده است.

این نکته از قلم نیافتد که دو شبهه‌ای که به خوبی تفاسیر شیعی آنها را مطرح کرده‌اند؛ در کتاب‌های «کتاب التفسیر» و «تفسیر القمی» مطرح گردیده است.

احادیث نقل شده از «کتاب التفسیر» عیاشی نیز با مشکلات ارسال سند یا مجهول بودن سند روبرو هستند.

مفسرانی از فریقین به ترک اولی بودن حضرت یونس(ع) اشاره کرده‌اند؛ همچنین در پاسخ‌ها با رویکردهای عقلی، برتری با مفسران شیعی و در پاسخ‌ها با رویکردهای ادبی، برتری با مفسران سنی است.

نتیجه

با توجه به گونه شناسی انجام گرفته در شبهات پیرامون شخصیت حضرت یونس (ع)، به گونه های ماثور و اجتهادی دست یافتیم. اکثر شبهاتی که در فصل شبهات ماثور به آن ها پرداخته شد، دارای آسیب منبع روایی یا سند روایی هستند. اصلی ترین مشکل منبع روایی، مشکل انتساب «تفسیر قمی» به «علی بن ابراهیم قمی» است. با جستجوهای انجام گرفته این انتساب مخدوش است و کتاب مورد نظر بدون مقایسه با منابع حدیثی دیگر، قابل اعتماد نیست.

در مورد «کتاب التفسیر» عیاشی باید گفت که این کتاب، روایاتی مرسل را ارائه می دهد. شخصیت جناب عیاشی نیز به عنوان مشکلی دیگر در ارائه این گونه روایات است. عیاشی قبلا سنی بوده است و در روزگار تقیه زندگی می کرده است و این شرایط بر ارائه روایات تاثیر گذار است. روایات پرداخته شده به شبهات توسط ایشان، مرسل و منقطع مطرح گردیده است که از مشکلات سند روایی تفاسیر شیعی تلقی می گردد. برخی روایات نیز از «وهب بن منبه» و کسانی است که از وارد کردن اسرائیلیات به اسلام ابایی نداشتند و حتی اصرار بر ورود اسرائیلیات داشته اند، نقل گردیده است؛ روایات مربوط به «ابن عباس» نیز مسلم نیستند و گاهی به تعارض در نقل منجر می شوند. این ها مجموعه مشکلات سند روایی تفاسیر شیعی و اهل سنت است که در شبهات روایی و ماثور روبرو هستیم و شبهه ای نتوانسته است که منعقد گردد. در شبهات اجتهادی نیز با اجتهادی جدای از نگاه متقن به قرآن، روبرو هستیم.

با شناسایی رویکردهای پاسخ های ارائه شده توسط مفسران سنی و شیعه به پنج رویکرد روایی، عقلی، ادبی، اشاری و تاریخی رسیدیم. مفسران سنی در رویکردهای ادبی و مفسران شیعی در رویکردهای عقلی نسبت به یکدیگر قوی تر ظاهر گشته اند. اکثر پاسخ هایی که در رویکردهای اشاری توسط مفسران مطرح گشته است یا قابل جمع با اعتقادات مسلمانان نیست و یا تاویلات دور از ظهور است که این مرتبه از تاویل مختص معصومان علیهم السلام است.

تمام شبهات پیرامون شخصیت حضرت یونس (ع) که در تفاسیر فریقین مطرح شده است، پاسخ داده شد و جای هیچگونه شکی را برای عدم عصمت ایشان باقی نگذاشت.

منابع

کتاب ها:

*((القرآن الکریم))

- 1- آلوسی سید محمود، ((روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم))، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، 1415ق.
- 2- آندلسی ابوحيان محمد بن يوسف، ((البحر المحيط فی التفسیر))، تحقیق: صدقی محمد جمیل، بیروت، دار الفکر، 1420 ق.
- 3- ابن بابویه محمد بن علی، ((علل الشرائع))، قم، کتاب فروشی داوری، چاپ اول، 1385ش.
- 4- ابن شهر آشوب مازندرانی محمد بن علی، ((متشابه القرآن و مختلفه))، قم، انتشارات بیدار، چاپ اول، 1410ق.
- 5- ابن عاشور محمد بن طاهر، ((التحریر و التنویر))، بی نا، بی جا، بی تا.
- 6- ابن عطیه آندلسی عبدالحق بن غالب، ((المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز))، تحقیق: عبد السلام عبد الشافی محمد، بیروت، دار کتب العلمیه، چاپ اول، 1422ق.
- 7- ابن کثیر دمشقی اسماعیل بن عمرو، ((تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر))، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول، 1419ق.
- 8- ابن منظور ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، ((لسان العرب))، محقق/ مصحح: احمد فارس صاحب الجوائب، بیروت، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع - دار صادر، چاپ سوم، 1414ق.
- 9- ابن هشام عبدالله بن یوسف، ((مغنی اللیب))، قم، کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی، چاپ چهارم، بی تا.
- 10- ابو عبدالرحمن محمد بن الحسین السلمی، ((مجموعه آثار السلمی))، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، 1369.
- 11- ابوالفتح رازی حسین بن علی، ((روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن))، تحقیق: دکتر محمد جعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، 1408ق.
- 12- احمد بن حنبل، ((مسند الامام احمد بن حنبل))، بیروت، دار صادر، بی تا.
- 13- بحرانی سید هاشم، ((البرهان فی تفسیر القرآن))، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه موسسه البعثه - قم، تهران، بنیاد بعثت، چاپ اول، 1416ق.
- 14- بغدادی علاء الدین علی بن محمد، ((لباب التاویل فی معانی التنزیل)) تصحیح: محمد علی شاهین، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، 1415ق.
- 15- بغوی حسین بن مسعود، ((معالم التنزیل فی تفسیر القرآن))، تحقیق: عبد الرزاق المهدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، 1420ق.
- 16- بیضاوی عبدالله بن عمر، ((انوار التنزیل و اسرار التاویل))، تحقیق: محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، 1418 ق.

- 17- تستری ابو محمد سهل بن عبدالله، ((تفسیر التستری))، محقق: محمد باسل عیون السود، بیروت، منشورات محمد علی بیضون/ دار الکتب العلمیه، چاپ اول، 1423ق.
- 18- تهانوی محمد علی، ((موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم))، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، چاپ اول، 1996م.
- 19- ثعلبی نیشابوری ابواسحاق احمد بن ابراهیم، ((الکشف و البیان عن تفسیر القرآن))، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، 1422ق.
- 20- جزری ابن اثیر مبارک بن محمد، ((النهایه فی غریب الحدیث و الاثر))، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ اول، بی تا.
- 21- جوهری اسماعیل بن حماد، ((الصحاح - تاج اللغه و صحاح العربیه))، محقق/ مصحح: احمد عبد الغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ اول، 1410ق.
- 22- حلی علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ((خلاصه الاقوال فی معرفه احوال الرجال))، قم، دار الذخائر، 1411ق.
- 23- حمیری نشوان بن سعید، ((شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام))، محقق/ مصحح: حسین بن عبدالله العمری - مطهر بن علی الاریانی - یوسف محمد عبدالله، بیروت، دار الفکر المعاصر، چاپ اول، 1420 ق.
- 24- رشید الدین میبدی احمد بن ابی سعد، ((کشف الاسرار و عده الابرار))، تحقیق: علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم، 1371ش.
- 25- روزبهان بقلی شیرازی، ((تفسیر عرائس البیان فی حقائق القرآن))، محقق/ مصحح: احمد فرید المزیدی، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، 2008م.
- 26- زمخشری محمود، ((الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل))، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ سوم، 1407ق.
- 27- سیوطی جلال الدین، ((الدر المنثور فی تفسیر الماثور))، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1404ق.
- 28- صادقی تهرانی محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، 1365ق.
- 29- صفار محمد بن حسن، ((بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم))، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، چاپ دوم، 1404ق.
- 30- طباطبائی سید محمد حسین، ((المیزان فی تفسیر القرآن))، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، 1417ق.
- 31- طبرسی فضل بن حسن، ((مجمع البیان فی تفسیر القرآن))، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، 1372ش.
- 32- طبری ابوجعفر محمد بن جریر، ((جامع البیان فی تفسیر القرآن))، بیروت، دار المعرفه، چاپ اول، 1412ق.
- 33- طریحی فخرالدین، ((مجمع البحرین))، محقق/ مصحح: سید احمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، 1416ق.
- 34- طوسی محمد بن حسن، ((التبیان فی تفسیر القرآن))، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- 35- عروسی حویزی عبد علی بن جمعه، ((تفسیر نور الثقلین))، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، 1415ق.
- 36- عیاشی محمد بن مسعود، ((کتاب التفسیر))، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، چاپخانه علمیه، 1380ق.
- 37- فخر الدین رازی ابو عبدالله محمد بن عمر، ((مفاتیح الغیب))، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، 1420ق.

- 38- فراهیدی خلیل بن احمد، ((کتاب العین))، محقق/ مصحح: دکتر مهدی مخزومی و دکتر ابراهیم سامرائی، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، 1410ق.
- 39- فضل الله سید محمد حسین، ((تفسیر من وحی القرآن))، بیروت، دار الملائک للطباعه و النشر، چاپ دوم، 1419ق.
- 40- فیض کاشانی ملا محسن، ((تفسیر الصافی))، تحقیق: حسین اعلمی، تهران، انتشارات الصدر، چاپ دوم، 1415ق.
- 41- قاسمی محمد جمال الدین، ((محاسن التاویل))، تحقیق: محمد باسل عیون السود، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، 1418ق.
- 42- قشیری عبدالکریم بن هوازن، ((لطائف الاشارات))، تحقیق: ابراهیم بسیونی، مصر، هیئته المصریه العامه للکتب، چاپ سوم، بی تا.
- 43- قمی علی بن ابراهیم، ((تفسیر قمی))، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، قم، دار الکتب، چاپ چهارم، 1367ش.
- 44- قمی مشهدی محمد بن محمدرضا، ((تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب))، تحقیق: حسین درگاهی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، 1368 ش.
- 45- کاشفی سبزواری حسین بن علی، ((مواهب علیة))، تحقیق: سید محمدرضا جلالی نائینی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات اقبال، چاپ اول، 1369ش.
- 46- کلینی محمد بن یعقوب، ((الکافی (ط- اسلامیة))، محقق/ مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی محمد، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، 1407ق.
- 47- _____، ((کافی (ط- دار الحدیث))، محقق/ مصحح: دار الحدیث، قم، دار الحدیث، چاپ اول، 1429ق.
- 48- مجلسی محمد باقر بن محمد تقی، ((بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار)) (ط- بیروت)، محقق/ مصحح: جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، 1403ق.
- 49- محیی الدین بن عربی، ((تفسیر ابن عربی (تاویلات عبدالرزاق))، محقق/ مصحح: سمیر مصطفی رباب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، 1422ق.
- 50- مراغی احمد بن مصطفی، ((تفسیر المراغی))، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- 51- هلالی سلیم بن قیس، ((کتاب سلیم بن قیس الهلالی))، تحقیق/ مصحح: انصاری زنجانی خوئینی محمد، قم، الهادی، چاپ اول، 1405ق.
- 52- یوسفیان حسن؛ احمد حسین شریفی، ((پژوهشی در عصمت معصومان (ع))، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، 1388ش.

مقالات:

- 53- بیدگلی محمد تقی؛ سید محمد موسوی مقدم؛ علی حاجوی، «نقد محتوایی روایات منسوب به علی بن ابراهیم قمی»، تفسیر اهل بیت علیهم السلام نیم سال نامه علمی - تخصصی، سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان 1393.
- 54- راد علی، «روایات تفاضل یونس (ع) و یحیی (ع)؛ تعارض و راهکارها»، علوم حدیث، سال بیستم، شماره دوم، تابستان 1394، 38-